

نقش انسجام و انعطاف پذیری خانواده در پیش بینی خودکارآمدی والدینی در دبیران آموزش متوسطه دوم شهر یاسوج^۱

محمد مشهدی زاده^۲، * سلطانعلی کاظمی^۳، محمد خیر^۴، سیامک سامانی^۵

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف نقش انسجام و انعطاف پذیری خانواده در پیش بینی خودکارآمدی والدینی در دبیران آموزش متوسطه دوم شهر یاسوج بود.

روش: پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود و جامعه آماری شامل دبیران آموزش متوسطه دوم شهر یاسوج که در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶ مشغول به تدریس بوده اند. حجم نمونه شامل ۱۵۰ نفر از دبیران آموزش متوسطه دوم بود که از طریق روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند. داده ها از طریق پرسشنامه های خودکارآمدی والدینی دومکا و همکاران (۱۹۹۶)، مقیاس انعطاف پذیری خانواده شاکری (۱۹۹۹) و مقیاس انسجام خانواده سامانی (۱۳۸۱) جمع آوری و مورد تحلیل آماری قرار گرفتند. پایایی ابزارهای پژوهش با استفاده از ضرایب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۷۷ و ۰/۸۱ بدست آمد. جهت تجزیه و تحلیل فرضیه های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون خطی استفاده شد.

یافته ها: یافته های پژوهش نشان داد که انسجام خانواده و انعطاف پذیری خانواده قادر به پیش بینی معنادار خودکارآمدی والدینی در دبیران است ($P < 0/001$).

نتیجه گیری: بنابراین الگوهای ارتباطی انسجام و انعطاف پذیری خانواده قادرند خودکارآمدی والدینی را پیش بینی نمایند.

کلیدواژه ها: انسجام، انعطاف پذیری خانواده، خودکارآمدی والدینی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری محمد مشهدی زاده دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت می باشد.

۲- دانشجوی دکتری گروه روانشناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

۳- دانشیار گروه روانشناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران Kazemiu@yandex.com

۴- استاد گروه روانشناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

۵- استادیار گروه روانشناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

امروزه معلمان نسبت به گذشته در تدریس با چالش های بیشتری مواجه هستند. این چالش ها می تواند به مشکلات متعددی از قبیل مشکلات روان شناختی همچون افسردگی، فرسودگی شغلی و مانند اینها منجر شود و آنها را در تحقق اهداف آموزشی دچار مشکل کند (شواردیگر، کانرمان و شانهافن^۱، ۲۰۰۸). از سویی دیگر همه ساله شمار قابل توجهی از معلمان در نتیجه چالش ها و فشارهای کاری به کلی حرفه تدریس را رها می کنند (ویس کرمی، قدم پور و متقی نیا، ۱۳۹۷). از مهمترین متغیرهای درونی که می تواند معلمان را در مقابله با چالش های شغلی توانمند کند و در بهزیستی آنان اثرگذار باشد، خودکارآمدی آنان است و از آنجا که معلمان خود دارای خانواده و احتمالاً فرزندان هستند خودکارآمدی والدگری آنان نیز در این امر تاثیر بسزایی دارد. خودکارآمدی والدینی به قضاوت و احساس والدین از توانایی هایشان برای انجام وظایف والدینی گفته می شود (چن و فیش^۲، ۲۰۱۳). همچنین به درجه ای که والدین بر این باورند که تصمیمات و اقدامات مرتبط با فرزندپروری آنان نتایج مطلوب را به بار خواهد آورد گفته می شود (ساد-شارویت، آرنو، اوسپاوا، لاک، جو، پاجاریتو و کای^۳، ۲۰۱۸). کودکان والدین دارای خودکارآمدی پایین معمولاً احساس خرسندی کنند (ابارشی، طهماسیان، مظاهری، پناغی و منصور^۴، ۲۰۱۴). همچنین بهبود خودکارآمدی والدینی در فرایندهای درمان خانواده با کاهش اضطراب و افسردگی در نوجوانان همراه است (رابینسون، استراهان، گیرز، ویلسون و بوچی^۵، ۲۰۱۳). خودکارآمدی و ارزش گذاری درونی در گونه های مختلف خانواده دارای تفاوت معنادار است، که تفاوت در گونه های سالم با گونه های غیر سالم می باشد (قریشی و سامانی، ۱۳۹۴).

از طرفی خانواده های سالم در مقایسه با دیگر گونه های خانواده، از سبک والدگری مثبت، مشارکت بالای پدر، تنبیه بدنی کمتر استفاده می کنند. در مقابل، در خانواده های غیرسالم، استفاده از تنبیه بدنی و نظارت ضعیفتر بیشتر مشاهده می شود (سامانی، خیر و صداقت، ۱۳۸۹). همسو با خودکارآمدی والدینی که نقش مهمی در سلامت روان شناخت خانواده ایفا می کند، الگوهای ارتباطی خانواده از دیگر مؤلفه هایی است که سطح سلامت خانواده را نشان می دهند و مهمترین مفهوم برای درک عملکرد خانواده به شمار می روند. اهمیت ارتباط به قدری است که سنگ زیربنای بهزیستی کل خانواده عنوان شده است، به طوری که الگوهای ارتباطی آشفته بر سلامت روان شناختی اعضای خانواده اثر چشمگیری دارد (شیفرت و شوارز^۶، ۲۰۱۱). کوثرنر و مری آن^۷ (۲۰۰۲) دو نوع الگوی ارتباطی حاکم بر روابط اعضای خانواده را مطرح کردند که شامل جهتگیری گفت و شنود^۸ و جهتگیری همنوایی^۹ است. جهت گیری گفت و شنود، به میزانی که والدین،

1 Schwerdtfeger, Konermann & Schönhofen

2 Chen & Fish

3 SadehSharvit, Arnow, Osipov, Lock, Pajarito & Kaye

4 Abarashi, Tahmassian, Mazaheer, Panaghi, L & Mansoori

5 Robinson, Strahan, Girz, Wilson & Boachie

6 Siffert & Schwarz

7 Koerner & Mary

8 Conversation orientation

9 Conformity orientation

فرزندان خود را به همکاری و تعامل در رابطه با دامنه وسیعی از موضوعات تشویق می کنند تعریف می شود. در مقابل، جهتگیری همناوایی اشاره دارد به اینکه اعضاء خانواده تا چه حد نگرشها، عقاید و ارزش های همسانی دارند (اندرسون، دیرکز، گراسر و بلاک^۱، ۲۰۱۸). اولسون^۲ (۲۰۱۱) به معرفی دو الگوی ارتباطی انسجام^۳ و انعطاف پذیری^۴ اشاره نمود به طوری که این دو بعد را مشخص کننده رضایت خانوادگی دانست. انسجام به عنوان یکی از ساختارهای پرنفوذ خانواده، احساس همبستگی، پیوند و تعهد عاطفی است که اعضای یک خانواده نسبت به هم دارند. انسجام به صورت احساس نزدیکی عاطفی با افراد دیگر تعریف می شود، و دو کیفیت مربوط به انسجام در خانواده، مشتمل بر تعهد و وقت گذراندن باهم است (لینگرن^۵، ۲۰۱۳). انعطاف پذیری خانواده به میزان تغییر کنترل نظم، مذاکره آرام، روابط، نقش ها و قواعد ارتباطی مربوط است به شیوه ای که بیشترین عملکرد در طول زمان حاصل شود (موکولو و والستون^۶، ۲۰۱۲). یافته های پژوهش وایت، شلتون و الگار^۷ (۲۰۱۴) نیز در میان ۱۶۰۰ نوجوان دختر نشان داد که انسجام خانواده اثر جالب توجهی بر سلامت روانی نوجوانان از جمله افزایش ارزش خود، اعتماد به نفس، کاهش اضطراب، افسردگی و اختلال خوردن دارد. پژوهش در زمینه رابطه الگوهای ارتباطی انسجام و انعطاف پذیری خانواده با خودکارآمدی والدینی کمتر مورد توجه قرار داشته است؛ با اینحال می توان به مطالعه بنزیس، تروت و ورثینگتون^۸ (۲۰۱۳) اشاره کرد که نشان دادند کنترل سازگاری خانواده در خودکارآمدی مادر نقش دارد. نادری و مشعل پور (۱۳۸۸) نشان دادند خودکارآمدی توسط متغیرهای پیش بین یعنی انعطاف پذیری کنشی، عاطفه مثبت و عاطفه منفی قابل پیش بینی می باشد. مغربی سینیکی، حسن زاده، خادمی و ارجمندیا (۱۳۹۴) در مطالعه خود نتیجه گرفت آموزشی مهارتهای ارتباطی موجب افزایش خودکارآمدی والدینی می شود. همچنین در مطالعه میرشریف الدین و حسینی (۱۳۹۶) بین خودکارآمدی تحصیلی با الگوی ارتباطی گفت و شنود رابطه مثبت و معنادار مشاهده شد. یافته های پژوهش اسبیسگیو و دل آگلیو^۹ (۲۰۱۲) نشان می دهد که وجود انسجام، کاهش تعارض و پشتیبانی خانواده باعث افزایش افزایش سازش یافتگی روانی فرزندان، مانند افزایش حرمت خود، خودکارآمدی و خودارزشی می شود. دبیران علاوه بر وظیفه شغلی، خود دارای خانواده هستند و نقش مهم والدینی را برعهده دارند. به نظر می رسد دبیرانی که در خانواده آنها انسجام و انعطاف پذیری بیشتری وجود دارد از خودکارآمدی والدینی بالاتری برخوردار باشند. این احساس خودکارآمدی والدینی علاوه بر تربیت فرزندان، در تربیت دانش آموزان و خودکارآمدی حرفه ای آنان نیز نقش دارد. از سویی دیگر ممکن است به دلیل پرداخت نشدن حقوق

1 Anderson, Dirks, Graesser & Block

2 Olson

3 Cohesion

4 Flexibility

5 Lingren

6 Mukolo & Wallston

7 White, Shelton & Elgar

8 Benzie, Trute & Worthington

9 Sbcigo & Dell'Aglio

مناسب به معلمان و یا عدم قدرشناسی از شغل معلمی و یا شاید از دست دادن منزلت اجتماعی، نارسایی هایی در زندگی خانوادگی معلمان ایجاد شود. بدین ترتیب وجود مشکلاتی در محیط خانواده و کار ممکن است موجب کاهش اعتماد به نفس، کمی انرژی و علاقه، کاهش صبر و بردباری، ظرافت در کار، کمی تسلط بر کار و افت بازده را به دنبال داشته باشد. بنابراین نیاز است به زندگی خانوادگی معلمان توجه بیشتری شود و با بررسی نقش متغیرهای پیش بینی کننده خودکارآمدی والدینی زمینه را برای پیش بینی خودکارآمدی عمومی و خوداثرمندی آنها در زمینه شغل حساس معلمی فراهم نمود. از این رو مطالعه حاضر با هدف تعیین نقش انسجام و انعطاف پذیری خانواده در پیش بینی خودکارآمدی والدینی در دبیران آموزش متوسطه دوم شهر یاسوج انجام شده است.

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل دبیران آموزش متوسطه دوم شهر یاسوج است که در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶ مشغول به فعالیت می باشند. روش نمونه گیری تصادفی و از نوع خوشه ای چندمرحله ای است، در مرحله اول از مناطق شهر تعدادی دبیرستان دخترانه و پسرانه به طور تصادفی انتخاب و در مرحله بعد از هر دبیرستان تعداد دبیران به طور تصادفی وارد فرایند پژوهش شدند. بنابراین حجم نمونه در این پژوهش ۱۵۰ نفر از دبیران آموزش متوسطه دوم شهر یاسوج است. ابزار گردآوری داده ها مقیاس خودکارآمدی والدینی دومکا و همکاران (۱۹۹۶)، مقیاس انعطاف پذیری خانواده شاکری (۱۳۸۲) و مقیاس انسجام خانواده سامانی (۱۳۸۱) بود.

مقیاس خودکارآمدی والدینی: این مقیاس به وسیله دومکا و همکاران در سال ۱۹۹۶ و به منظور اندازه گیری خودکارآمدی والدگری طراحی شد و مقیاسی ناوابسته به فرهنگ و ناوابسته به زبان است. این مقیاس شامل ۱۰ گویه است که ۵ عبارت مثبت و ۵ عبارت منفی را شامل می شود و سه مولفه عمده «احساس والدین درمورد توانایی والدگیشان»، «اطمینان آنها درمورد عمل موفقیت آمیزشان در نقش والدگری» و «ارزیابی توانایی آنها برای مدیریت رفتار فرزندان» را می سنجد (دومکا، استورزینگر، جکسون و روسا، ۱۹۹۶). گویه ها به شکل لیکرت هفت درجه ای و شامل «همیشه مخالفم»، «بیشتر اوقات مخالفم»، «گاهی اوقات مخالفم»، «نظری ندارم»، «گاهی اوقات موافقم»، «بیشتر اوقات موافقم» و «همیشه موافقم» هستند. نمره گذاری این مقیاس به صورت اختصاص نمره ۱ به گزینه «همیشه مخالفم» تا نمره ۷ به گزینه «همیشه موافقم» است. این شیوه نمره گذاری در مورد سوالات شماره ۱، ۳، ۵، ۶، و ۸ معکوس است. حداقل نمره این مقیاس ۱۰، حداکثر نمره ۷۰ و حد متوسط نمرات ۴۰ است. دومکا و همکاران (۱۹۹۱) روایی پرسشنامه را در تحقیق خود به کمک تحلیل سازه ۰/۸۲ گزارش نمود. دومکا و همکاران (۱۹۹۱) پایایی پرسشنامه را بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۰ گزارش نمودند.

مقیاس انعطاف پذیری خانواده: این مقیاس با الهام از الگوی مدور ترکیبی اولسون (۱۹۹۹) درباره خانواده، به وسیله شاکری (۱۳۸۲) ساخته شده است. مقیاس یادشده دارای ۱۶ گویه است و در مقابل هر گویه طیف لیکرتی (کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم) وجود دارد. در این پرسشنامه برای هر گویه نمره‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) در نظر گرفته شده است. حداکثر نمره در این آزمون ۸۰ و حداقل ۱۶ است. نتیجه تحلیل عاملی این مقیاس نیز تنها یک عامل عمومی (g) با عنوان انعطاف پذیری به دست داده است. اولسون (۱۹۹۹) روایی پرسشنامه را در تحقیق خود به کمک تحلیل سازه ۰/۸۴ گزارش نمود. اولسون (۱۹۹۹) پایایی پرسشنامه را بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۶ گزارش نمودند.

مقیاس انسجام خانواده: این مقیاس بر اساس مجموعه‌ای از متون موجود در باب همبستگی و با الهام از الگوی ترکیبی السون، به وسیله سامانی (۱۳۸۱) ساخته شده است و هشت عامل (همبستگی با پدر، همبستگی با مادر، مدت تعامل، مکان، تصمیم گیری، ارتباط عاطفی، روابط زناشویی و رابطه والدین با فرزندان) را می‌سنجد. این آزمون دارای ۲۸ سوال است که گزینه‌ها به صورت مقیاس پنج قسمتی لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم) طراحی شده است. همچنین ۲۵ درصد بالاترین نمرات تحت عنوان انسجام بالا، ۲۵ درصد پایین‌ترین نمرات تحت عنوان انسجام پایین، ۵۰ درصد میانه نمرات تحت عنوان سطح انسجام متوسط تعریف شده‌اند. در این پرسشنامه برای هر گویه نمره‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) در نظر گرفته شده است. سامانی (۱۳۸۱) روایی پرسشنامه را در تحقیق خود به کمک تحلیل پیش بین ۰/۷۹ گزارش نمود. اولسون (۱۹۹۹) پایایی پرسشنامه را بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۷۸ گزارش نمودند.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان دادند که ۱۸ درصد از افراد پاسخگو، زن و ۸۲ درصد از آنان مرد بودند. گروه سنی ۳۶ تا ۴۰ سال نسبت به بقیه افراد نمونه دارای بیشترین فراوانی و گروه سنی ۲۶ تا ۳۰ سال دارای کمترین مقدار فراوانی بودند. بیشتر پاسخ دهندگان دارای تحصیلات کارشناسی بودند. افراد با سابقه کاری ۱۱ تا ۱۵ سال نسبت به بقیه افراد نمونه دارای بیشترین فراوانی و افراد با سابقه کاری کمتر از ۵ سال دارای کمترین مقدار فراوانی بودند.

به منظور آزمون فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر اینکه انسجام و انعطاف پذیری خانواده توان پیش بینی خودکارآمدی والدینی در دبیران آموزش متوسطه دوم شهر یاسوج را دارند از تحلیل رگرسیون استفاده شده است.

جدول ۱ خلاصه مدل تاثیر انسجام و انعطاف پذیری خانواده بر خودکارآمدی والدینی

خطای برآورد	R^2 تنظیم شده	R^2	R
۴/۵۹	۰/۲۲۷	۰/۲۵۴	۰/۵۰۴

جدول ۲ نتایج تحلیل واریانس تاثیر انسجام و انعطاف پذیری خانواده بر خودکارآمدی والدینی

مدل	مجموع مربعات	df	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۲۵۳۸/۲	۹	۱۹۵/۲۴		
باقیمانده	۷۴۴۰/۴۱	۱۵۱	۲۱/۱۳	۹/۲۳	۰/۰۰۰۱
کل	۹۹۷۸/۶۱	۱۵۰	-		

نتایج رگرسیون چندمتغیری بین انسجام و انعطاف پذیری خانواده با خودکارآمدی والدینی مندرج در جداول فوق نشان می دهد که انسجام و انعطاف پذیری خانواده $F=9/23$ در سطح $(P<0/0001)$ بر خودکارآمدی والدینی دبیران آموزش متوسطه دوم شهر یاسوج تاثیر معناداری دارند. با توجه به مقدار $R^2=0/254$ نیز می توان گفت که انسجام و انعطاف پذیری خانواده با هم $25/4$ درصد از واریانس خودکارآمدی والدینی دبیران آموزش متوسطه دوم شهر یاسوج را توضیح می دهند.

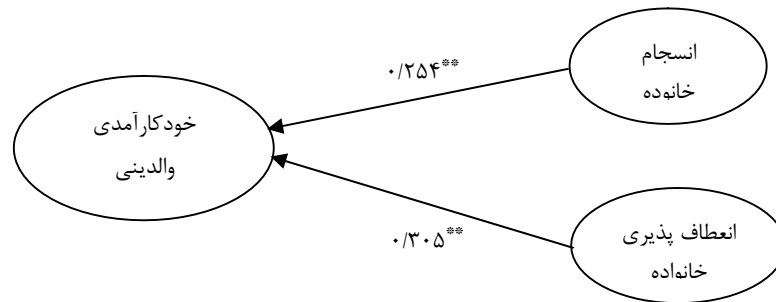
جدول ۳ ضرایب رگرسیون استاندارد شده و استاندارد نشده

مدل	ضریب استاندارد نشده		ضریب استاندارد شده Beta	t	سطح معنی داری
	B	خطای استاندارد			
مقدار ثابت	۱۰۰/۳	۴/۰۴	-	۲۴/۸	۰/۰۰۰۱
انعطاف پذیری خانواده	-۰/۳۹۹	۰/۰۶۶	-۰/۳۰۵	-۶/۰۴	۰/۰۰۰۱
همبستگی با پدر	-۰/۲۹۹	۰/۰۷۸	-۰/۲۰۶	-۳/۸۴	۰/۲۲۵
همبستگی با مادر	-۰/۱۱۲	۰/۱۰۷	-۰/۰۶	-۱/۰۴	۰/۲۹۵
مدت تعامل	-۰/۱۰۹	۰/۱۴۲	-۰/۰۴۹	-۰/۷۷	۰/۴۴۲
مکان	-۰/۰۵۷	۰/۱۲	-۰/۰۲۴	-۰/۴۸	۰/۴۳۲
تصمیم گیری	-۰/۲۹۹	۰/۱۱۲	-۰/۱۴	-۲/۶۶	۰/۲۳۶
ارتباط عاطفی	-۰/۱۰۶	۰/۰۷۸	-۰/۰۷۳	-۱/۳۵	۰/۱۷۶
روابط زناشویی	-۰/۲۷۹	۰/۱۵۷	-۰/۰۹۷	-۱/۷۷	۰/۱۶۹
رابطه والدین با فرزندان	-۰/۰۴۳	۰/۱۲۷	-۰/۰۲	-۰/۳۴	۰/۳۳۲

داده های جدول فوق نشان می دهد که متغیر انعطاف پذیری خانواده و انسجام و هر یک از ابعاد آن یعنی همبستگی با پدر، همبستگی با مادر، مدت تعامل، مکان، تصمیم گیری، ارتباط عاطفی، روابط زناشویی و رابطه والدین با فرزندان بر خودکارآمدی والدینی دبیران آموزش متوسطه دوم شهر یاسوج دارای اثر مثبت و معنی داری در سطح آلفای $0/05$ می باشند. بنابراین با توجه به مقدار ضریب رگرسیون استاندارد شده (بتا) می توان گفت که انعطاف پذیری خانواده و انسجام و هر یک از ابعاد آن یعنی همبستگی با پدر، روابط

زناشویی، ارتباط عاطفی، مدت تعامل، مکان، تصمیم گیری، همبستگی با مادر و رابطه والدین با فرزندان به ترتیب بهترین پیش بینی کننده های متغیر وابسته (ملاک) یعنی خودکارآمدی والدینی دبیران آموزش متوسطه دوم شهر یاسوج محسوب می شوند.

بنابراین می توان نتیجه گرفت انسجام و انعطاف پذیری خانواده توانایی پیش بینی خودکارآمدی والدینی را دارد که در شکل شماره ۱ مشخص شده است.



شکل ۱ مدل مفهومی پژوهش

نتیجه گیری

مطالعه حاضر با هدف نقش انسجام و انعطاف پذیری خانواده در پیش بینی خودکارآمدی والدینی در دبیران آموزش متوسطه دوم شهر یاسوج انجام شد. نتیجه این پژوهش نشان داد انعطاف پذیری خانواده و انسجام و هر یک از ابعاد آن یعنی همبستگی با پدر، روابط زناشویی، ارتباط عاطفی، مدت تعامل، مکان، تصمیم گیری، همبستگی با مادر و رابطه والدین با فرزندان به ترتیب بهترین پیش بینی کننده های متغیر وابسته (ملاک) یعنی خودکارآمدی والدینی دبیران آموزش متوسطه دوم شهر یاسوج محسوب می شوند. این یافته همسو با مطالعه اسپسیگو و دل آگلیو (۲۰۱۲) است که نشان دادند وجود انسجام، کاهش تعارض و پشتیبانی خانواده باعث افزایش سازش یافتگی روانی، مانند افزایش حرمت خود، خودکارآمدی و خودارزشی می شود. در تبیین این یافته می توان گفت انسجام خانواده احساس همبستگی، پیوند و تعهد عاطفی است که اعضای خانواده نسبت به هم دارند و این پیوند و تعهد عاطفی در افراد خانواده این احساس را به وجود می آورد که مورد پذیرش هستند. همچنین در والدین نیز احساس کارآمدی به وجود می آورد مبنی بر اینکه در تربیت فرزندان خود از خودمختاری برخوردارند و فرزندان نیز این خودمختاری را به رسمیت می شناسند. اعضای خانواده های منسجم نسبت به ارزش ها و علائق یکدیگر حساسند و برای یکدیگر وقت و انرژی می گذارند در نتیجه خانواده سالمتری دارند. قریشی و سامانی (۱۳۹۳) دریافتند که باورهای انگیزشی، خودکارآمدی و ارزش گذاری درونی در خانواده های سالم و غیرسالم متفاوت می باشد. همچنین بر اساس مدل فرایند و محتوای خانواده خانواده های سالم از عملکرد والدگری و خودکارآمدی مناسبتر و از مهارت ارتباطی و

انسجام عاطفی بالاتری در مقایسه با خانواده های ناسالم برخوردارند (سامانی، ۲۰۰۴). این قابلیت در میان خانواده های سالم موجب می گردد تا اطلاعات بیشتری میان اعضای خانواده مبادله گردد. مطابق نظر اولسون (۲۰۱۱) خانواده هایی که دارای انسجام عاطفی مناسبی با یکدیگر هستند میزان اطلاع مشترک آنها بیشتر است و نسبت به برنامه یکدیگر آگاهتر هستند. بدین ترتیب با توجه به قابلیت خانواده های سالم به لحاظ مهارتهای ارتباطی و انسجام عاطفی مناسب فرصت تبادل اطلاعات مهیا می گردد و در نتیجه اعضای اینگونه خانواده ها از برنامه ها و احساس ها و افکار یکدیگر آگاهتر خواهند بود؛ در نتیجه والدین چنین خانواده هایی توانایی بیشتر در والدگری و تربیت فرزندان از خود بروز می دهند. در واقع، خانواده های سالم (محتوا و فرایند خانوادگی خوب) از عملکرد مناسبی در زمینه والدگری برخوردار هستند و بیشتر از دیگر گونه های خانواده از رفتارهای مثبت والدگری همانند تشویق به موقع، توضیح اشتباه فرزندان برای آن ها، ایجاد اطلاعات مشترک میان اعضای خانواده، توضیح پیامدهای رفتاری مختلف و همکاری والدین (پدر و مادر) در امور فرزندان استفاده می کنند. این موضوع احتمالاً به دلیل مناسب بودن سطح مهارت های ارتباطی در میان اعضای خانواده و همچنین توانایی مقابله با مشکلات تربیتی فرزندان در خانواده های سالم است. این دو مهارت به خانواده کمک می کند تا افراد خانواده احساس و افکار خود را به راحتی بیان نمایند و به درک متقابل در خصوص رفتار یکدیگر دست یابند. این درک متقابل باعث می گردد تا والدین مناسب ترین اقدام را در ارتباط با فرزندان خود به کار گیرند و از خودکارآمدی بالاتر برخوردار باشند (سامانی، ۱۳۸۹). بنابراین انسجام و پیوند عاطفی، شیوه تصمیم گیری، علایق و واکنش ها در اصل به تعادل اعضای خانواده منجر می شود. خانواده های سالم به دلیل سطح بالای فرایندها از قبیل مهارت تصمیم گیری و حل مسئله، مهارت مقابله و ارتباط، باورهای مذهبی و همچنین محتوای غنی خانوادگی که شامل شغل مناسب، منابع مالی بیشتر و امکانات مناسب و غیره می باشد، در نتیجه معمولاً والدین این خانواده ها احساس باارزشی می کنند و باور دارند در انجام وظایف موفق هستند و از توانایی لازم برخوردار می باشند.

یافته مطالعه حاضر همچنین نشان داد انعطاف پذیری خانواده توانایی پیش بینی خودکارآمدی والدینی را دارد. این یافته با پژوهش بنزیس و همکاران (۲۰۱۳) همسو است که نشان دادند کنترل سازگاری خانواده در خودکارآمدی مادر نقش دارد. نادری و مشعل پور (۱۳۸۸) نیز نشان دادند خودکارآمدی توسط متغیرهای پیش بین یعنی انعطاف پذیری کنشی، عاطفه مثبت و عاطفه منفی قابل پیش بینی می باشد که با پژوهش حاضر همخوانی دارد. در این زمینه لازم به توضیح است که تقویت مهارتهای فرزندپروری و مهارتهایی به منظور نحوه برقراری ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر موجب افزایش جهت گیری های گفت و شنود در اعضای خانواده شده و الگوی ارتباطی انعطاف پذیری خانواده را تقویت می کند. این امر می تواند نقش تعدیل کننده ای در مشکلات و چالش های خانواده و خودکارآمدی والدین ایفا کند. والدینی که در ارتباط با کودک خود قواعد کمتر سختگیرانه ای را وضع می کنند و در تعاملات خود انعطاف پذیری بیشتری به خرج می دهند، رفتارها و تعاملات مثبت تری را در خانواده پایه گذاری می کنند و از خودکارآمدی بالاتری برخوردار خواهند بود. در مقابل، افرادی که خودکارآمدی ضعیفتری دارند، با احتمال بیشتری به صورت پرخاشگرانه و خصومت آمیز رفتار می کنند. والدین با خودکارآمدی بیشتر، طی تعامل والد-کودک و در

واقع، برقراری ارتباط با کودکان حساسیت بیشتری نشان می دهند و توانمندتر هستند. در مقابل، مادرانی که در نقش والدینی خود احساس خودکارآمدی بیشتر و قویتری دارند، روابطی گرم و صمیمی و منظم با کودکانشان برقرار می کنند. به نظر می رسد که یکی از عواملی که بر خودکارآمدی والدین موثر است، حمایت های اجتماعی باشد که از طریق بازخوردهای مثبت و حمایتگر میان اعضای خانواده های منسجم، صورت می گیرد. بر اساس مدل حمایت - کارآمدی (به نقل از مغربی سینکی و همکاران، ۱۳۹۴)، عامل و برقراری ارتباط با افراد حمایتگر، به این اعتقاد و باور می انجامد که فرد توانایی مقابله با چالشها را دارد و این امر بر خودکارآمدی وی تاثیر می گذارد. می توان گفت مطالعه حاضر از این نظر با پژوهش میرشریف الدین و حسینی (۱۳۹۶) همسو است که نشان دادند بین خودکارآمدی با الگوی ارتباطی گفت و شنود رابطه وجود دارد. همچنین در راستای مطالعه مغربی سینکی و همکاران (۱۳۹۴) نیز هست که نشان دادند مهارتهای ارتباطی موجب افزایش خودکارآمدی والدینی می شود.

مطالعه حاضر دارای محدودیت هایی بود که می تواند در ارزشیابی داده ها و نتایج در نظر گرفته شود. از جمله اینکه اطلاعات به دست آمده حاصل گزارش شخصی افراد بود و میزان صداقت افراد نمونه در پاسخگویی به سوالات پرسشنامه مشخص نبود. همچنین ممکن است متغیرهایی در پیش بینی خودکارآمدی والدینی در نمونه مورد بررسی نقش داشته باشند که قابل شناسایی و اندازه گیری نبودند. پیشنهاد می شود در مطالعات آینده نقش الگوهای ارتباطی گفت و شنود و هم نوایی نیز در پیش بینی خودکارآمدی والدینی مورد بررسی قرار گیرد.

فهرست منابع

- جمالی نژاد، راضیه (۱۳۹۱). بررسی اثربخشی آموزش خلاقیت مادر - کودک بر خلاقیت کودکان و خودکارآمدی والدگری مادران کودکان پیش دبستانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- رضویه، اصغر؛ سامانی، سیامک. (۱۳۷۹). بررسی ساختار عاملی مقیاس استقلال عاطفی استنبرگ و سیلور برگ برای استفاده در ایران. ششمین کنگره پژوهش های روانپزشکی و روانشناسی در ایران، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران.
- زارع، مریم؛ سامانی، سیامک. (۱۳۸۷). بررسی نقش انعطاف پذیری و انسجام خانواده در هدف گرایی فرزندان، فصلنامه خانواده پژوهی، دوره ۴(۱۳)، ۱۷-۳۶.
- سامانی، سیامک؛ خیر، محمد؛ صداقت، زینب. (۱۳۸۹). سبک های والدگری در گونه های مختلف خانواده در مدل فرایند و محتوای خانواده، خانواده پژوهی، دوره ۶، شماره ۲۲، ۱۷۴-۱۶۱.
- سامانی، سیامک (۱۳۸۱). مدل علی برای همبستگی خانوادگی - استقلال عاطفی و سازگاری، پایان نامه دکتری روان شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.
- شاکری، شراره (۱۳۸۲). بررسی تأثیر میزان انعطاف پذیری خانواده بر بهداشت روان دانش آموزان متوسطه شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز.
- طالعی، علی؛ طهماسیان، کارینه؛ وفائی، نرگس (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش برنامه فرزندپروری مثبت بر خوداثرمندی والدینی مادران، خانواده پژوهی، دوره ۷(۲۳)، ۳۱۱-۳۲۳.
- عاشوری، محمد؛ افروز، غلامعلی؛ ارجمندنی، علی اکبر؛ پورمحمدرضای تجریشی، معصومه؛ غباری بناب، باقر (۱۳۹۴). اثربخشی برنامه والدگری مثبت بر خودکارآمدی والدینی و تعامل مادر-کودک دارای کم توانی هوشی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، دوره ۲۳(۵)، ۴۸۹-۵۰۰.
- قریشی، منا؛ سامانی، سیامک (۱۳۹۴). مقایسه باورهای انگیزشی فرزندان در گونه های مختلف خانواده بر اساس مدل فرایند و محتوای خانواده، پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، دوره ۲(۶)، ۲۹-۴۰.
- مغربی سینکی، حامد؛ حسن زاده، سعید؛ خادمی، مژگان؛ ارجمندنی، علی اکبر (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت های ارتباطی بر خودکارآمدی والدینی مادران دارای فرزند با اختلال کاستی توجه / بیش فعالی، اندیشه و رفتار، دوره ۹(۳۶).
- میرشرف الدین، علیرضا؛ حسینی، سیده مریم. (۱۳۹۶). رابطه ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده با خودکارآمدی تحصیلی. فصلنامه مطالعات روان شناسی و علوم تربیتی، دوره ۲(۱۵)، ۳۱-۴۲.
- نادری، فرح؛ مشعل پور، مرضیه. (۱۳۸۸). رابطه بین انعطاف پذیری کنشی، عاطفه مثبت و منفی با خودکارآمدی و رضایت شغلی در کارکنان شهرداری اهواز. یافته های نو در روان شناسی (روان شناسی اجتماعی). دوره ۳(۹)، ۷-۲۴.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۹۵). شناخت روش علمی در علوم رفتاری. تهران: سمت. مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

ویس کرمی، حسنعلی؛ قدم پور، عزت‌اله؛ متقی‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۷). الگوی ساختاری تأثیر اعتماد سازمانی در خودکارآمدی شخصی با میانجی‌گری خودکارآمدی جمعی معلمان. مدیریت فرهنگ سازمانی. دوره ۱۶(۱)، ۲۵۹-۲۸۲.

- Abarashi, Z., Tahmassian, K., Mazaheri, M. A., Panaghi, L., & Mansoori, N. (2014). Parental self-efficacy as a determining factor in healthy mother-child interaction: a pilot study in Iran. *Iranian journal of psychiatry and behavioral sciences*, 8(1), 19.
- Anderson, J., Dirks, L., Graesser, N., & Block, P. (2018). Family Size Decreases Conversation Orientation and Increases Conformity Orientation. *Discourse: The Journal of the SCASD*, 4(1), 2.
- Benzies, K. M., Trute, B., & Worthington, C. (2013). Maternal self-efficacy and family adjustment in households with children with serious disability. *Journal of Family Studies*, 19(1), 35-43.
- Chen, Y. C., & Fish, M. C. (2013). Parental involvement of mothers with chronic illness and children's academic achievement. *Journal of Family Issues*, 34(5), 583-606.
- Dumka, L. E., Stoerzinger, H. D., Jackson, K. M., & Roosa, M. W. (1996). Examination of the cross-cultural and cross-language equivalence of the parenting self-agency measure. *Family Relations*, 216-222.
- Koerner, F. A., & Mary Anne, F. (2002). Understanding family communication patterns and family functioning: The roles of conversation orientation and conformity orientation. *Annals of the International Communication Association*, 26(1), 36-65.
- Lingren M. G. Creating sustainable families. Available [http: www. Ianr. Un. Edu/pubs/family/g 1269. Htm](http://www.ianr.un.edu/pubs/family/g1269.htm) [2013].
- Mukolo, A., & Wallston, K. A. (2012). The relationship between positive psychological attributes and psychological well-being in persons with HIV/AIDS. *AIDS and Behavior*, 16(8), 2374-2381.
- Olson, D. (2011). FACES IV and the circumplex model: Validation study. *Journal of marital and family therapy*, 37(1), 64-80.
- Robinson, A. L., Strahan, E., Girz, L., Wilson, A., & Boachie, A. (2013). 'I know I can help you': Parental self-efficacy predicts adolescent outcomes in family-based therapy for eating disorders. *European Eating Disorders Review*, 21(2), 108-114.
- Sadeh-Sharvit, S., Arnow, K. D., Osipov, L., Lock, J. D., Jo, B., Pajarito, S., ... & Kaye, W. (2018). Are parental self-efficacy and family flexibility mediators of treatment for anorexia nervosa?. *International Journal of Eating Disorders*, 51(3), 275-280.
- Sbicigo, J. B., & Dell'Aglio, D. D. (2012). Family environment and psychological adaptation in adolescents. *Psicologia: Reflexão e Crítica*, 25(3), 615-622.

- Schwerdtfeger, A., Konermann, L., & Schönhofen, K. (2008). Self-efficacy as a health-protective resource in teachers? A biopsychological approach. *Health Psychology, 27*(3), 358.
- Siffert, A., & Schwarz, B. (2011). Spouses' demand and withdrawal during marital conflict in relation to their subjective well-being. *Journal of Social and Personal Relationships, 28*(2), 262-277.
- White, J., Shelton, K. H., & Elgar, F. J. (2014). Prospective associations between the family environment, family cohesion, and psychiatric symptoms among adolescent girls. *Child psychiatry & Human development, 45*(5), 544-554.



The Role of Family Cohesion and Flexibility in Predicting Parental Self-efficacy in Secondary Education Teachers in Yasuj

Mohammad Mashhadizade¹, Soltanali Kazemi^{*2}, Mohamad Khayer³, Siamak Samani^f

Abstract

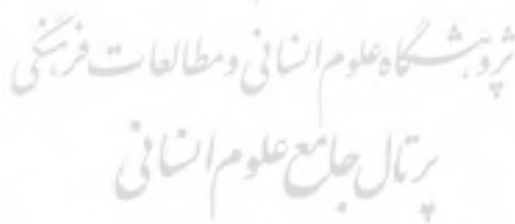
Purpose: The purpose of this study was to investigate the role of family cohesion and flexibility in predicting parental self-efficacy in secondary education teachers in Yasuj.

Method: The study was descriptive-correlational. The sample size consisted of 150 secondary school teachers who were selected through multistage cluster sampling. Data were collected and analyzed using the Domka and et al (1996), Shakeri Family Flexibility Scale (1999) and Samani Family Cohesion Scale (2002). The reliability of the research instruments was estimated 0.71, 0.77 and 0.81 respectively using Cronbach's alpha coefficients. Pearson correlation coefficient and linear regression analysis were used to analyze the research hypotheses.

Results: The findings showed that family cohesion and family resilience were able to predict significant parental self-efficacy in teachers.

Conclusion: so that the patterns of family cohesion and resilience were able to predict parental self-efficacy.

Keywords: Cohesion, Family Flexibility, Parental Self-Efficacy



1Department of Educational Sciences, Bojnourd branch, Islamic Azad University, Bojnourd, Iran.

2Associate Professor, Department of Psychology, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran Kazemiu@yandex.com

3Professor, Department of Psychology, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran,

4 Assistant Professor, Department of Psychology, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran